

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به نشریه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز می‌باشد.  
این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY: 4 است.

## مطالعه ارتباط بین مولفه‌های تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای و بیگانگی اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشکده‌های حقوق و علوم اجتماعی و کشاورزی دانشگاه تبریز)

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

شناسه دیجیتال: DOI:10.22034/JEDS.2021.45118.1511

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۳۰

ابراهیم محمدپور<sup>۱</sup>  
حسین هنرور<sup>۲</sup>  
هدایت علیپور<sup>۳</sup>  
عاطفه رحمانیان<sup>۴</sup>

### چکیده

توسعه‌ی جوامع تنها در گرو رشد اقتصادی یا برنامه‌های معطوف به آن نمی‌باشد، بلکه مولفه‌های تحول در باورها و رفتارها به عنوان پیش‌شرط‌های توسعه، از اهمیت اساسی برخوردار هستند. بر همین اساس، این تحقیق با هدف مطالعه ارتباط بین مولفه‌های تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای و ارتباط آن‌ها با بیگانگی اجتماعی نگاشته شد. روش تحقیق از نوع پیمایشی بوده و جامعه آماری شامل دانشجویان دانشکده‌ای حقوق و علوم اجتماعی و کشاورزی دانشگاه تبریز بود که ۲۶۳ نفر از آن‌ها به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای برای مطالعه انتخاب شده‌اند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری و توسط نرم افزارهای SPSS و Lisrel تحلیل شده‌اند. نتایج نشان داد که میزان مولفه‌های «جامعه‌پذیری» و «وقت‌شناسی» بالاتر از حد متوسط، مولفه‌های «انضباط اجتماعی» و «صدقایت و راستگویی» پایین‌تر از حد متوسط و مولفه‌ی «رعایت حقوق دیگران» و «بیگانگی اجتماعی» در حد متوسط می‌باشند. نتایج آزمون فرضیه‌ها حاکی از آن بود که بین مولفه‌های جامعه‌پذیری، انضباط اجتماعی، رعایت حقوق دیگران، وقت‌شناسی و صدقایت و راستگویی با بیگانگی اجتماعی ارتباط معنادار و منفی وجود دارد. همچنین تفاوت میانگین بیگانگی اجتماعی بر حسب نوع دانشکده، جنس و مقطع تحصیلی با بیگانگی اجتماعی معنادار شد. براساس نتایج برآش مدل مسیر، متغیر جامعه‌پذیری بیشترین تاثیر را بر بیگانگی اجتماعی داشت. بعد از این متغیر نیز انضباط اجتماعی، وقت‌شناسی، رعایت حقوق دیگران و صدقایت و راستگویی در ردیف‌های بعدی قرار گرفتند. در مجموع متغیرهای مذکور توانستند ۳۶ درصد از تغییرات بیگانگی اجتماعی را تبیین نمایند.

**واژگان کلیدی:** بیگانگی اجتماعی، جامعه‌پذیری، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز.

e.mohammadpour70@gmail.com

huseyn.hunarvar@gmail.com

hedayatalipour720@gmail.com

atefrahmanian@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز

۲. استادیار جامعه‌شناسی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

۳. دانش آموخته کارشناسی روانشناسی باليٽي دانشگاه تبریز و آموزگار آموزش و پرورش

۴. دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی دانشگاه شیراز

## مقدمه

نیل به پیشرفت و توسعه، یکی از آرزوهای دیرینه همه جوامع و انسان‌ها در طول تاریخ بوده است. مفهوم «توسعه» در کنار مفاهیمی چون ترقی، تکامل، تعالی، رشد، پیشرفت و نظایر این‌ها انعکاس‌های مختلفی از همین آرزوی دیرین بشري جامعه است. در ایران نیز مفهوم توسعه همراه با تلاش‌هایی که به صورت‌های مختلف برای ورود جامعه‌ی ایرانی به دوره مدرن صورت گرفته، در حوزه‌ی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی رسمی مطرح شده است. با وجود اینکه برنامه‌ریزی توسعه در کشور ما سابقه‌ای نسبتاً طولانی دارد و ایران از جمله پیشگامان تدوین برنامه‌های توسعه در خاورمیانه به شمار می‌رود، اما به لحاظ معیارهای توسعه‌یافتنی در جایگاه شایسته‌ای قرار ندارد و علی‌رغم تمامی تلاش‌های صورت گرفته کشور ما نتوانسته است به اهداف توسعه‌ی همه جانبه دست یابد و هنوز در زمرة کشورهای در حال توسعه قرار دارد و برای رسیدن به جوامع توسعه‌یافته و اهداف توسعه‌ای خود فاصله زیادی دارد (شاه قاسمی، ۱۳۹۵: ۱۴۸). بر این اساس، یکی از دغدغه‌های اصلی نخبگان سیاسی و فکری کشور به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی کشف علت‌ها و عوامل عقب‌ماندگی‌ها و دستیابی به روش‌های جبران آن و نیل به توسعه‌ی ملی است. در این رابطه برخی نبود مکتب فکری منسجم توسعه و عدم نهادینه شدن آن را عامل اصلی تأخیر توسعه قلمداد کرده‌اند. برخی دیگر ماهیت شخصیت نخبگان سیاسی ایران را از موانع اساسی توسعه تلقی کرده‌اند (تراپی، ۱۳۸۴: ۱۰۴) و برخی از اندیشمندان نیز عدم مشارکت افراد جامعه را مانع فرایند توسعه کشور می‌دانند. در این راستا، بیگانگی از اجتماع یکی از دلایل اصلی عدم مشارکت افراد جامعه در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که منجر به عقب‌ماندگی و عدم پیشرفت می‌شود که مانع بزرگ بر سر راه توسعه جامعه می‌باشد.

## بیان مساله

واژه بیگانگی که به زعم ریموند ویلیامز<sup>۱</sup> یکی از غامض‌ترین و دشوارترین واژگان در فرهنگ لغات به شمار می‌رود، به عنوان یکی از مفاهیم اصلی و عمده‌ی جامعه‌شناسی، روانشناسی و روانشناسی اجتماعی مطرح گردیده است، به طور گسترده‌ای در علوم انسانی جهت تبیین برخی از اشکال و انواع کنش‌ها و واکنش‌ها نسبت به جریانات، واقعیت‌های پیرامونی، فشارهای روانی و تحمیلات اجتماعی به کار می‌رود و با زندگی اجتماعی امروز سخت عجین شده است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۲۵). بر همین اساس، بخشی از تلاش جامعه‌شناسان مصروف بررسی و تبیین ناسازگاری‌های حاکم بر روابط فرد و جامعه، کارکردهای گسل نهادها و سازمان‌های اجتماعی و عدم درونی‌شدن و قواعد اخلاقی است. در واقع، چالش و مسأله‌ی بیگانگی از خود و بیگانگی از

۱. williams

اجتماع در افراد تا آن اندازه دارای اهمیت است که منجر به ایجاد مشکلات مختلفی در راه توسعه جوامع از جمله مشکلاتی نظیر؛ احرافات اجتماعی، ناهنجاری، مشارکت سیاسی پایین، سوء مصرف مواد مخدر و غیره می‌شود (بورکیت<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹؛ باو<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۶؛ ۹۹۰).

بیگانگی در تعریفی وسیع و عام به معنای احساس انصصال، جدایی و عدم پیوند ذهنی (شناختی) و عینی (کنشی) بین فرد و محیط پیرامون او (یعنی جامعه، انسان‌های دیگر، ساختارهای اجتماعی و خود) است و مترادف با بی‌亨جاري و احساس بد به جامعه به کار رفته (شوالبا، ۱۹۸۶) که مبین انصصال فرد از نظام ارزش‌ها، باورهای فرهنگی، هنجارها و نهادهای اجتماعی است. بر همین اساس، بیگانگی یکی از عوامل تاثیرگذار بر فرآیندهای مشارکت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بوده که مانع در راه توسعه یک جامعه تلقی می‌شود (فاکس<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰؛ زکی و خشوعی، ۱۳۹۲).

اما آنچه در این میان کمتر مورد امعان نظر و کالبدشکافی علمی قرار گرفته است، نقش فرهنگ و مولفه‌های تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای در توسعه است (بندر<sup>۴</sup>، ۲۰۲۰؛ حسین و همکاران، ۲۰۲۰). بر این اساس، می‌توان ادعا کرد که توسعه جوامع تنها در گرو رشد اقتصادی یا برنامه‌هایی که معطوف به آن هستند نمی‌باشد (ویلیامسون<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸؛ دی‌پیترو<sup>۶</sup>، ۲۰۱۴)، بلکه توسعه را باید از منظر تجدد فرهنگی و مولفه‌های تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای نگریست. به عبارت دیگر، توسعه پی‌آمد تحول در باورها، رفتارها، افکار نظیر جامعه‌پذیری، اضطراب اجتماعی، وقت‌شناختی، صداقت و راستگویی و رعایت حقوق دیگران و بطور کلی فرهنگ است. تغییر و تحول ارزش‌ها و باورها در دستیابی به توسعه به اندازه‌ای است که بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران تحول فکری را بر تحول مادی مقدم دانسته و معتقدند الزام‌های فکری و ذهنی باید در رده‌ی دوم قرار گیرند. در غرب توسعه به دنبال تحول در فکر و فرهنگ اتفاق افتد. از این‌رو بحث توسعه یک مسئله‌ی فرعی است که اصل، تحول در فکر و فرهنگ است و با این تحول در اندیشه، لوازم خود، یعنی توسعه‌ی تکنیکی، اقتصادی، سیاسی و نظایر این‌ها را همراه می‌آورد (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۹).

حصول به اطلاعات تجربی درباب نگرش‌ها، رفتارها، باورها، انگیزش‌ها، انتظارات و نیازهای جامعه دانشجو نه تنها برنامه‌ریزان را در طراحی برنامه‌های معطوف به توسعه آموزش عالی یاری

1. Burkitt

2. Bao

3. Schwalbe

4. Fox

5. Bender

6. Williamson

7. Di Pietro

می‌رساند، بلکه کاستی‌ها، مشکلات، نارسائی‌ها و برخی جنبه‌ها، ابعاد و وجود موارد و آثار آسیب‌شناختی محیط‌های آموزشی را در سطح دانشجویان تعریف و تعیین می‌کند و به برنامه‌ریزی‌هایی برای رفع مشکلات و کاستن از مسائل و تنگناها و از میان برداشتن موانع توسعه نظری بیگانگی اجتماعی در میان دانشجویان، به منظور گردانیدن برنامه‌های توسعه پایدار آموزش عالی منجر می‌شود. محیط اجتماعی دانشگاه، چون هر محیط آموزشی، به مثابه نهادی اجتماعی و عاملی اجتماعی کننده نقش عمده‌ای را در انتقال فرهنگ، درونی کردن هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، تکوین شخصیت، توسعه مفهوم من اجتماعی، انتقال ارزش‌ها و مهارت‌ها و آموزش فنون و علوم ایفا می‌کند. بر همین اساس مطالعه ارتباط بین جامعه‌پذیری، انضباط اجتماعی، وقت‌شناسی، صداقت و راستگویی و رعایت حقوق دیگران که جزو مولفه‌های اصلی تحول در باورها و رفتارهای توسعه می‌باشند و ارتباط این مولفه‌ها با بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان از اهمیت اساسی برخوردار است. در همین راستا تحقیق حاضر با هدف بررسی ارتباط بین مولفه‌های مذکور تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای و برخی از متغیرهای زمینه‌ای (جنس، نوع دانشکده، مقطع تحصیلی) با بیگانگی اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه تبریز نگاشته می‌شود.

## مبانی نظری

نظریه‌های کلان درباره‌ی بیگانگی اساس دیدگاه خود را بر این اختصاص داده بودند که وجود پدیده‌ی بیگانگی در یک جامعه منجر به نمودهای گوناگون رفتارهای بیگانه‌وار نظری بی‌قدرتی، انزوا، تنفر فرهنگی و نظایر اینها خواهد شد که در این مبحث ریشه‌های فکری این پدیده توسط مارکس، هگل، وبر، زیمل، دورکیم، لوکاج و دیگران پایه‌ریزی شده است (بنی‌فاطمه و رسولی، ۱۳۹۰: ۳).

بیگانگی یکی از نقاط قوت فلسفه سیاسی مارکس بود و او آن را بر پایه بهره‌کشی مستقیم و غیرمستقیم سرمایه‌داران از نیروی کار مطرح کرده بود (اینیکالوم<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۴۰۷: ۲۰۱۶). بنا بر نظریه مارکس، بیگانگی حالت کسی است که بر اثر اوضاع و احوال گردآوردهش، اوضاع مذهبی، اقتصادی و سیاسی دیگر اختیاری از خود ندارد؛ تا جایی که با اون چون شیء رفتار می‌شود و او برده‌ی اشیاء و خاصه برده‌ی پول می‌گردد و در حقیقت بودن را فدای داشتن می‌کند (زکی و خشوعی، ۱۳۹۲: ۸۷). دورکیم از کلمه آنومی مترادف با بیگانگی استفاده می‌کند و به نوعی فکری اطلاق می‌شود که در آن بوسیله اختلالات اجتماعی، فرد دچار نوعی سردرگمی در

انتخاب هنجرهای، تبعیت از قواعد رفتاری و احساس فتور و پوچی می‌شود (توقفیان فر و حسینی، ۱۳۹۱: ۴۸).

مرتون نیز بیگانگی را با آنومی در نظر می‌گیرد و از دیدگاه او عوامل اصلی ناهنجاری و بیگانگی انسان عدم ارتباط و هماهنگی معقول بین اهداف و وسائل نهادینه شده در جامعه است و عقیده دارد که آنومی اجتماعی اثرات متقابل بر افراد با توجه به موقعیت‌هایی که آن‌ها در ساختار اجتماعی اشغال کرده‌اند می‌گذارد وقتی جامعه کاملاً بر فرد کنترل دارد نوعی احساس ضعف، قدرت، زمانی که هر دو هدف و هنجر از دید فرد پوچ و بی‌محتواست، نوعی احساس جدایی و انزواج اجتماعی و زمانی که فرد ارزش‌ها و هنجرهای اجتماعی را نباید دچار نوعی احساس بی‌هنجری است (فولادیان، ۱۳۹۴: ۱۲۷).

دور شدن از بیگانگی اجتماعی و حرکت به سمت پیشرفت و توسعه، حاصل نگرش خاصی به عالم است و بدون ایجاد این نگرش خاص، پیشرفت و ترقی ممکن نیست و این نگرش خاص بیانگر لزوم وجود یک فرهنگ مناسب برای توسعه است؛ فرهنگی که تشویق کننده افراد جامعه به رعایت رفتارها و کردارهای توسعه‌ای باشد. به عبارتی شرط آغاز توسعه آن است که مردم جامعه باورها و رفتارهای خود را متتحول سازند؛ یعنی ایجاد تحول در طرز تفکر و کردارهای انسان‌های تشکیل دهنده هر جامعه، شرط شروع توسعه است و تا زمانی که افراد تشکیل دهنده یک جامعه فکر و عمل خود را متتحول نسازند، جامعه هر قدر هم امکانات داشته باشد توسعه آغاز نمی‌شود. این نوع نگرش که تحول در رفتارهای باورها و ارزش‌های جامعه تاثیر چشمگیری بر توسعه جوامع دارد ریشه‌ی دیرین در نظریه‌های توسعه دارد. در حوزه‌ی جامعه‌شناسی کنت، اسلامسر، پارسونز، ردفیلد و روستو معتقدند که ارزش‌ها، عقاید، تفکر و فرهنگ خاصی توسعه را تشویق می‌کنند و برخی دیگر مانع توسعه می‌شوند (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱۴).

ماکس وبر معتقد است عقاید و ارزش‌های یک جامعه منجر به توسعه یا توسعه‌نیافتنگی می‌شود، وی خاطر نشان می‌کند که اخلاق پروتستانی یا رسالت کاری که در هر فرد پروتستان وجود دارد محرك پیشرفت نظام سرمایه‌داری بوده و زمینه را برای مدیریت علمی و بستر سازی توسعه فراهم ساخته است. این مفهوم افراد را ترغیب می‌کند تا ریاضت پیشه کنند و از خوشی‌های دنیوی برحدزr باشند. این دستورات مبنای است برای کسب سود و امساك در مصرف و بنابراین ایجاد پس‌انداز برای سرمایه‌گذاری که برای توسعه‌ی صنعتی امری ضروری است (تفضیلی، ۱۳۸۵: ۸۷). به عبارتی دیگر، وبر بر این رهیافت تاکید می‌کند که محقق شدن نظام سرمایه‌داری در مغرب زمین، نیازمند روحیه‌ای خاص و به تعبیری زمینه‌ای اخلاقی، روانی، اجتماعی و فرهنگی خاص بوده که جوامع غربی با همراه شدن چنین زمینه و روحیه‌ی خاص توانسته‌اند به نظام سرمایه‌داری و در نهایت جامعه‌ای صنعتی دست پیدا کنند (بهشتی و همکاران،

۱۳۹۶: ۲۱۵). عده‌ای نیز به تقلید از عقاید ویر، برای کشورهای جهان سوم عناصری را برشمرده‌اند که فراتر از عقاید ماکس ویر است و با ملاحظه عناصری فرهنگی در فرهنگ غرب، آن‌ها را برای کشورهای جهان سوم ضروری دانسته‌اند. برخی از اندیشمندان نیز عناصر فرهنگی موثر بر توسعه را در نگرش علم، جامعه‌پذیری، انصباط اجتماعی، رعایت حقوق دیگران، اعتقاد به برابری انسان و توجه معقول به دنیا دانسته‌اند و عنوان کرده‌اند (صالح‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۴). بر این اساس در ادامه به تبیین نظری برخی از مهم‌ترین مولفه‌های تحول و باورهای توسعه‌ای پرداخته می‌شود.

در این رابطه پارسونز معتقد است که فرهنگ مهم‌ترین عامل شکل‌گیری نظام اجتماعی است و هنگامی که افراد در جامعه احساس بی‌عدالتی و نامنی نداشته باشند به تدریج با تقویت اعتماد عمومی و مشارکت اجتماعی جامعه از نظم اجتماعی مطلوب برخوردار می‌شوند. دور کیم نیز معتقد بود که در جوامع سنتی مبتنی بر همبستگی مکانیکی، نظم از طریق شباهت و همسانی مفرط افراد به یکدیگر پدید می‌آید به گونه‌ای که فرد کاملاً در جمع حل و جذب شده باشد. اما در جوامع مدرن مبتنی بر همبستگی ارگانیک نظم براساس تمایز و تفاوت افراد با هم است که شکل می‌گیرد (صادقی ده‌چشم و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۸-۴۷). از نظر هاردین<sup>۱</sup> نیز، نظم اجتماعی بر پایه اعتماد بین افراد استوار است که اعتماد هم با تکرار روابط حاصل می‌شود (هاردین، ۱۹۹۳).

اگبرن<sup>۲</sup> و نیم‌کف<sup>۳</sup> نیز جامعه‌پذیری را جریانی می‌دانند که فرد را عملًا با زندگی گروهی همساز می‌کند و فرد جامعه‌پذیر کسی است که بر اثر هنمود شدن با هنجارهای گروهی، وظایف گروهی را پذیرفته و راههای همکاری را شناخته و بدین سبب دارای رفتارهای گروه پسند شده است. همچنین طبق نظریه‌های کولی و پارسونز خانواده اهمیت به سزاگی در شکل‌گیری رفتار و گرایش‌های فرد دارد و دور کیم نیز بر اهمیت مدرسه و آموزش و پرورش در جامعه‌پذیری تأکید کرده است. بدین ترتیب خانواده و مدرسه دو نهاد مهم در درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهایی‌اند که خود حامل آن هستند و این هنجارها با شیوه‌های مختلف به فرد ارائه می‌شود (ذوق‌فاری زعفرانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳-۱۵۲).

کامرون (۲۰۰۲) معتقد است که مدیریت زمان لازمه پیشرفت و ارتقا است. به نظر وی استفاده صحیح از زمان باعث می‌شود انسان به فعالیت‌هایی پردازد که موجب دستیابی به اهداف فردی و اجتماعی بشود. استرتون (۱۹۹۳) نیز بیان می‌کند، کسانی که قدرت زمان و چگونگی سازماندهی و استفاده از آن را می‌دانند، بسیار موفق‌تر و جلوتر از افرادی هستند که همیشه از

1. Hardin

2. Egber

3. Nim Kof

تنگی وقت می‌نالند (کریمیان‌پور، ۱۳۹۵: ۵۰). همچنین نونیز و هادسون<sup>۱</sup> بر این عقیده هستند که افراد جامعه می‌توانند با اعمال مدیریت زمان، وقت شناسی و اولویت‌بندی فعالیت‌های خود، وظایف متعددی را به موقع انجام دهند و به حالت خود نظمی برسند (نونیز و هادسون، ۲۰۰۶).

همچنین چلپی (۱۳۸۳) هنجار صداقت و راستگویی را هنجار محوری در حوزه فرهنگ می‌داند و معتقد است که نظام (تعاملات) فرهنگی جامعه تنها با تأکید بر هنجار صداقت، دوام پیدا می‌کند (یوسفی و رضوی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۳۰). حاکم بودن راستگویی و صداقت در جامعه موجب پرورش بسیاری از رفتارهای اخلاقی و مسئول نمودن افراد در قبال یکدیگر خواهد شد. دوری از راست‌گویی سرآغاز بسیاری از رفتارهای غیراخلاقی در سطح جامعه است. همچنین با درک نقش اعتقاد به برابری افراد جامعه اهمیت این عنصر نیز روشن می‌شود؛ زیرا که اگر از ابتدا و بدون دلیل عده‌ای از افراد را برتر از دیگران بدانیم، این اندیشه تبعیض‌آمیز باعث خواهد شد عده‌ای از افراد جامعه در فرآیند توسعه مشارکت نداشتند و با اهداف توسعه هم‌سو نباشند و پیمودن مسیر توسعه را نیز با مشکل مواجه سازند، در این میان عده‌ای از نیروهای جامعه حذف می‌شوند و طبقه‌ای که خود را ممتاز می‌دانند نیروی خود را صرف حذف دیگران می‌کند و مقداری از نیروی آن‌ها هم از بین می‌رود. این هدر رفتن نیروها و استفاده نکردن از همه امکانات جامعه، امری است ضد توسعه که جامعه را از پیشرفت و ترقی باز می‌دارد (صالح‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۵).

در رابطه با تئوری‌های توسعه نیز باید اذعان داشت که این تئوری‌ها برای ایجاد تغییرات مطلوب در جوامع مختلف تدوین شده‌اند. نظریات توسعه، برای تبیین و بررسی پدیده‌های توسعه نیافتگی و نیز ارایه راهکارهایی برای بروز رفت از معضل توسعه نیافتگی، ارایه شده‌اند. این نظریات را می‌توان در سه مکتب عمده مورد بررسی قرار داد. در اوخر دهه ۱۹۵۰، نوسازی، پارادایم مسلط در بحث‌های توسعه بود. استفاده از فرضیاتی چون نوسازی را فرآیندی مرحله مرحله دانستن، توسعه را اروپایی دیدن، و توسعه را مقوله‌ای رو به پیشرفت و طولانی معرفی کردن از ویژگی‌های عمده این پارادایم می‌باشد. پارادایم وابستگی در آمریکای لاتین ظهور کرد و پاسخی به شکست برنامه‌های کمیسیون اقتصادی آمریکای لاتین بود. در این پارادایم وابستگی به عنوان یک وضعیت خارجی قلمداد می‌شود؛ یعنی وضعیتی که از بیرون تحمیل می‌گرد و غالباً به عنوان وضعیت اقتصادی سنجیده می‌شود و نظریه‌پردازان این پارادایم معتقدند وابستگی و توسعه یافتگی، دو فرایند ناسازگارنده، زیرا توسعه نیافتگی، از انتقال مستمر مازاد به مرکز ناشی می‌شود. سومین پارادایم مطرح در حوزه مطالعات توسعه در اوخر دهه ۱۹۷۰، پارادایم نظام جهانی است. والرشتاین به عنوان شاخص‌ترین نظریه پرداز این پارادایم، با توجه به رشد سریع کشورهای آسیای شرقی، بحران کشورهای سوسیالیستی و بحران سرمایه‌داری آمریکایی که پارادایم وابستگی قادر به تبیین انها نبود، این نظریه را مطرح کرد. در این پارادایم، نظام جهانی دارای

بخش‌های ساختاری است (مرکز، نیمه پیرامون و پیرامون) که در مراحل متناوب توسعه و رکود به وجود آمده‌اند. والرستاین اندیشه «جهان سوم» را رد می‌کرد و به یک نظام جهانی معتقد بود که تولید در کشورهای مرکز انجام می‌شود و اما سایر کشورها به استفاده از نیروی کار ساده به استخراج مواد خام محدود است (عطار، ۱۳۹۵). اما در نتیجه گذار از پارادایم‌های مذکور و اثبات‌گرایی به عصر پساثبات‌گرایی، پارادایم‌های توسعه از ساختار‌گرایی به سمت تکثیر‌گرایی و ضدیت با ساختار حرکت کرده است. چنین وضعیتی را می‌توان در تحول از پارادایم نوسازی به عنوان پارادایم مسلط به سمت پارادایم نوظهور پست مدرنیسم و نظریاتی مانند پساتوسعه‌گرایی و توسعه انسانی مشاهده کرد که به ضدیت با غرب‌محوری، قدرت محوری، ساختارمحوری و نفی انسان می‌پردازند. بدون شک توسعه جوامع مستلزم مشارکت مردم در ابعاد مختلف است و بدون مشارکت مردم نمی‌توان به توسعه مردم‌محور، فرآگیر و پایداری دست یافته. در فرایند توسعه، مشارکت آحاد جامعه جامعه مدنظر است. بر همین اساس باید اذعان کرد که اگر افراد جامعه در توسعه مشارکت نداشته باشند و بیگانه از جامعه خود باشند، توسعه‌ای نیز اتفاق نخواهد افتاد. بیگانگی از جامعه و تاکید بر نقش آن به عنوان یکی از عوامل اصلی عدم توسعه در جوامع در حال توسعه است. بطوری که بیگانگی و عدم بهره‌گیری از مشارکت مردمی به عنوان عامل اصلی شکست برنامه‌های توسعه ارزیابی شده است.

## چارچوب نظری

با عنایت به اینکه هدف اصلی این تحقیق تأثیر مولفه‌های تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای (شامل مولفه‌های جامعه‌پذیری، انضباط اجتماعی، وقت‌شناسی، رعایت حقوق دیگران و صداقت و راستگویی) بر بیگانگی اجتماعی می‌باشد. بر این اساس چارچوب نظری این تحقیق نظریه‌های مرتبط با مولفه‌های مذکور تعیین گردید که به در ادامه به آنها اشاره می‌گردد. در این راستا، نظریه وبر در رابطه با اخلاق پروتستانی و توسعه جوامع غربی مبنی بر این بود که توسعه نظام سرمایه‌داری در جوامع غربی، به خاطر روحیه‌ای خاص و زمینه‌ای اخلاقی، روانی، اجتماعی و فرهنگی خاص بوده که موجب رشد و توسعه این جوامع گردیده است. همچنین نظریه‌های دورکیم، پارسونز و هاردین در رابطه با نظام اجتماعی مطرح گردید که در جوامع مختلف برای این مولفه نقش حیاتی قائل بودند. آگ برن و نیم کف هم بیشتر بر جامعه‌پذیری تاکید می‌کردند و معتقد بودند که جامعه‌پذیری لازمه زندگی گروهی است. کولی و پارسونز نیز نقش نهادهای خانواده و مدرسه را در جامعه‌پذیری مهم تلقی می‌کردند. در رابطه با وقت‌شناسی نیز کامرون، استرتون، نوبنیز و هادسون اعتقاد دارند که وقت‌شناسی لازمه پیشرفت و توسعه می‌باشد. همچنین چلپی صداقت و راستگویی را جزو جدایی‌ناپذیر در حوزه فرهنگ می‌داند و معتقد است که لازمه توسعه رعایت هنجرهایی نظیر صداقت و راستگویی می‌باشد.

### مبانی تجربی

با مرور تحقیقات صورت گرفته در داخل و خارج از کشور در رابطه با موضوع تحقیق مبنی بر رابطه میان مولفه‌های تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای و بیگانگی اجتماعی، مطالعات چندانی صورت نگرفته، فلذًا در ادامه به چند مورد از تحقیقاتی که تا حدودی به موضوع تحقیق نزدیک است پرداخته می‌شود.

بهشتی و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی را تحت عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی بر اساس مولفه‌های تغییر در باور، رفتار و نگرش‌های نقطه شروع توسعه» در کتاب‌های سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ به نگارش درآورده‌اند. یافته‌های این مقاله نشان داد که کتاب‌های مورد بررسی از میان مولفه‌های تحول در باور، رفتار و نگرش‌ها بیشترین توجه به را «در جمع زیستن یا جامعه‌پذیری»، «علم باوری»، اضطراب اجتماعی و «تعلق خاطر به کشور» داشته است. در حالی که مولفه‌های «ایمان به کار و وجود کاری»، «اعتماد اجتماعی»، «وقت شناسی» و «رعایت حقوق دیگران» کمتر از حد انتظار مورد توجه واقع شده‌اند.

اما (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان «عوامل موثر بر از خود بیگانگی اجتماعی جوانان» که در میان دانشجویان دانشگاه مازندران و به روش پیمایشی انجام داده بود، به این یافته رسیده بود که میان پیوستگی به دوستان، برچسب زنی، رضایت تحصیلی و پیوستگی به خانواده و بیگانگی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

حسینزاده و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر بیگانگی اجتماعی» که به روش پیمایش در میان جوانان شهر اهواز انجام داده بودند به این نتیجه رسیده‌اند که بین اعتماد اجتماعی، احساس آنومی، احساس محرومیت نسبی، میزان دینداری و رضایت از زندگی با بیگانگی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

توقفیان‌فر و حسینی (۱۳۹۱) تحقیقی را با عنوان «بررسی بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن» در بین جوانان شهر یاسوج با روش پیمایشی انجام دادند. نتایج نشان داد که بین اعتماد اجتماعی، گرایشات مذهبی جمیعی، میزان همنوایی اجتماعی و میزان رضایت از زندگی و متغیر وابسته یعنی بیگانگی اجتماعی رابطه معنادار و منفی وجود دارد و قوی‌ترین رابطه (همبستگی) مربوط به متغیر اعتماد اجتماعی بوده است.

صالح‌نیا و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «نقش فرهنگ در توسعه اقتصادی» این امر را مذکور شده‌اند که مبنای هر نوع توسعه‌ای، توسعه فرهنگی است. آن‌ها عناصر فرهنگی موثر بر توسعه را شامل؛ رعایت حقوق دیگران، آزادی سیاسی، نظام‌پذیری، اعتقاد به برابری

انسان‌ها، علم‌گرایی، قانون‌گرایی، تحول‌گرایی و نظایر اینها دانسته و از این موارد به عنوان مصاديق پیش‌نیازهای فکری توسعه نام برده‌اند.

بنی‌فاطمه و رسولی (۱۳۸۹) تحقیقی را با عنوان «بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن» که به روش پیمایشی انجام داده‌اند، تایج حاکی از آن بود بین رابطه میان اعتماد اجتماعی، رضایت اجتماعی، نوع دانشکده و بیگانگی اجتماعی معنادار بوده است.

دی‌پیترو<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) در پژوهشی تحت عنوان «وقت‌شناسی و عملکرد اقتصادی» به این نتایج رسیده بود که وقت‌شناسی موجب سرعت یافتن توسعه اقتصادی می‌شود. کشورهایی که وقت‌شناس نیستند و سرعت کمتری دارند، عدم وقت‌شناسی می‌تواند نرخ رشد اقتصادی آن‌ها را کاهش دهد و یا حتی می‌تواند مانع از توسعه بلند مدت آن‌ها گردد.

جاڭلار<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) در تحقیقی با موضوع «رابطه بین سطح بیگانگی دانشجویان دانشکده آموزش و نگرش آنها نسبت به حرفة تدریس» که به روش پیمایش صورت گرفته بود، به این نتایج رسیده بود که دانشجویان سطح متوسطی از بیگانگی را تجربه می‌کنند و بین جنسیت و نگرش سبب به تدریس و بیگانگی رابطه معناداری وجود دارد.

تابلینی<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) تحقیقی را با عنوان «فرهنگ و نهادها: توسعه اقتصادی در مناطق اروپا» و با هدف بررسی تاثیر عوامل فرهنگی، ارزش‌ها و باورهای فردی بر توسعه اقتصادی مناطقی از اروپا به نگارش درآورد. نتایج این تحقیق بیانگر آن بود که برخی از ویژگی‌های فرهنگی مانند اعتماد به دیگران، احترام به دیگران و خود کنترلی و مطیع بودن با توسعه اقتصادی ارتباط معناداری دارند.

هاشر و هاگناوئر<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان «بیگانگی از مدرسه» به این نتایج رسیده بودند که میزان بیگانگی در میان پسران بیش از دختران می‌باشد و با افزایش سن نیز میزان بیگانگی افزایش می‌یابد.

گوتربوک<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین علل روانی اجتماعی و بیگانگی» که در میان شهروندان شهر لندن به روش پیمایشی انجام داده بودند، به این نتیجه رسیده بودند که اعتماد اجتماعی، احساس طرد شدگی، جنسیت و سن و وضعیت تاھل رابطه معناداری وجود دارد.

1. Di Pietro

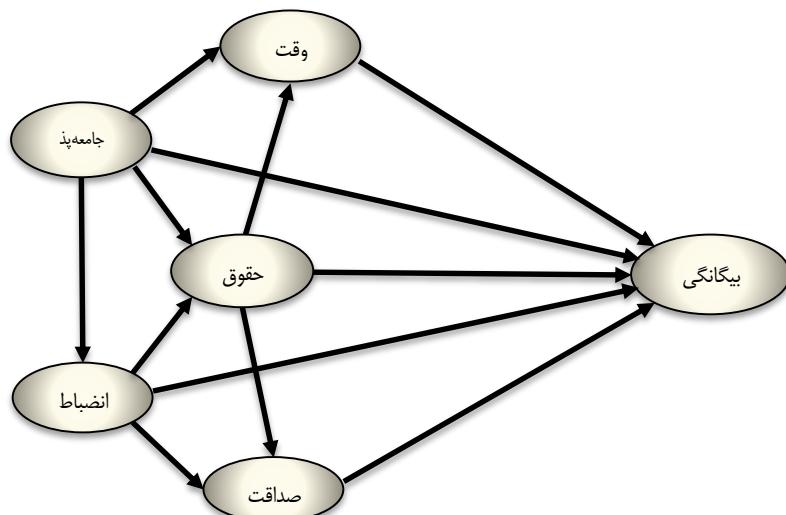
2. ÇAĞLAR

3. Tabellini

4. Hascher & Hagenauer

5. Guterbock

براساس مباحث نظری و نیز مرور پیشینه تجربی، می‌توان ارتباط بین متغیرهای مورد استفاده در تحقیق حاضر را با استفاده از مدل تحلیلی زیر (شکل ۱) ارائه داد.



شکل شماره ۱: مدل (مسیر) تحلیلی تحقیق

با عنایت به مبانی نظری و تجربی فرضیه‌های زیر قابل صورت‌بندی هستند:

- بین انصباط اجتماعی و بیگانگی اجتماعی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین جامعه‌پذیری و بیگانگی اجتماعی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین وقت‌شناسی و بیگانگی اجتماعی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین رعایت حقوق دیگران و بیگانگی اجتماعی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین صداقت و راستگویی و بیگانگی اجتماعی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- میانگین بیگانگی اجتماعی بر حسب نوع دانشگاه متفاوت می‌باشد.
- میانگین بیگانگی اجتماعی بر حسب مقطع تحصیلی متفاوت می‌باشد.
- میانگین بیگانگی اجتماعی بر حسب جنس متفاوت می‌باشد.

## روش تحقیق

روش مورد استفاده در تحقیق حاضر کمی و بصورت همبستگی و با تکنیک پیمایشی صورت گرفت. تحقیق حاضر از لحاظ زمانی یک مطالعه مقطعی، به لحاظ هدف از انواع مطالعات کاربردی و از نظر عمق به عنوان تحقیقی پهنانگر به شمار می‌آید. جامعه آماری تحقیق حاضر

کلیه دانشجویان دانشکده‌های حقوق و علوم اجتماعی و کشاورزی دانشگاه تبریز می‌باشد که براساس آمار اداره آموزش دانشگاه تبریز تعداد آن‌ها در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۹۷ به ۳۴۴۴ نفر می‌رسد که ۹۵۷ نفر آنان در دانشکده حقوق و علوم اجتماعی و ۲۴۸۷ نفر دیگر در دانشکده کشاورزی مشغول به تحصیل هستند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۶۳ نفر برآورد شده است که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای (براساس سهم هر کدام از دانشکده‌ها) ۷۳ نفر از دانشجویان دانشکده حقوق و علوم اجتماعی و ۱۹۰ نفر از نیز از دانشجویان دانشکده کشاورزی برای مطالعه انتخاب شده‌اند. همچنین باید اذعان داشت که برای مقایسه دو رشته نظری علوم انسانی و علوم تجربی، دو دانشکده حقوق و علوم اجتماعی و کشاورزی که زیر مجموعه رشته‌های نظری مذکور می‌باشند و رشته‌های این دو دانشکده با توسعه و مفاهیم آن ارتباط بیشتری دارد، این دو دانشکده برگزیده شدند. داده‌ها با استفاده از نرمافزار SPSS و Lisrel تحلیل شده است. در ادامه، به طور اجمالی به تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق پرداخته شده است.

**بیگانگی اجتماعی:** از نظر لنوى بیگانگی به معنای نوعی انفصل و جدایی چیزی از چیز دیگر است (فولادیان، ۱۳۹۴: ۱۳۳). بیگانگی اجتماعی به لحاظ مفهومی، برای تبیین برخی از اشکال کنش‌ها و واکنش‌ها به جریانات اجتماعی و واقعیت‌های پیرامونی، فشارهای روانی و تحمیلات بیرونی و نیز توضیح انفصل فرد از ارزش‌ها، باورها، هنجارها و اهداف فرهنگی تعریف شده است (حریری اکبری و صالح‌نژاد، ۱۳۹۴: ۳۴). به لحاظ عملیاتی، بیگانگی اجتماعی با اقتباس از پرسشنامه افسانی و جواهرچیان (۱۳۹۵) و با استفاده از گویه‌های «بیشتر اوقات دوست دارم تنها باشم، نمی‌توانم مشکلات خود را با دیگران مطرح کنم، معمولاً در رفع مشکلات دیگران مشارکت می‌کنم، از شرایط زندگی خود متنفر هستم، خود را انسان مفیدی می‌دانم، احساس می‌کنم از دیگران عقب‌تر هستم، از خواستگاری سنتی بدم می‌آید، ارزش‌های فرهنگی خودمان را دوست دارم، ارزش‌های جامعه و دانشگاه نوعی فشار و محدودیت بر ما اعمال می‌کنند، احساس می‌کنم تسلط چندانی بر زندگی خود ندارم، خوشبختی و بدیختی هر کس دست خود اوست، در فعالیت‌های سیاسی شرکت نمی‌کنم چون معتقدم تاثیری در بهبود اوضاع سیاسی و اجتماعی ندارد، در امور اجتماعی شرکت نمی‌کنم، از ارزش‌ها و هنجارهای جامعه بیزارم، قوانین را فقط به خاطر مجازت شدن رعایت می‌کنم» همگی در قالب طیف لیکرت ۶ درجه‌ای سنجیده شده‌اند و در ادامه پس از ترکیب نمرات گویه‌ها، شاخص مربوطه در سطح فاصله‌ای ایجاد شده است.

**مولفه‌های تحول در باورها و رفتارها:** براساس کتاب «توسعه اقتصادی ایران» نوشته دکتر بهشتی، اضباط اجتماعی، جامعه‌ذیری، رعایت حقوق دیگران، وقت‌شناسی و صداقت و راستگویی جزو مولفه‌ای اصلی تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای هستند (بهشتی، ۱۳۸۹) که در این تحقیق به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند. در ادامه به تعاریف مفهومی و عملیاتی

پرداخته می‌شود. انضباط اجتماعی؛ به لحاظ مفهومی انضباط در لغت به معنای سامان گرفتن، نظم و ترتیب، درستی و عدم هرج و مرج است (دهخدا، ۱۳۷۷). انضباط اجتماعی، احترام به ارزش‌های اخلاقی و رعایت حقوق دیگران، پایبندی به قوانین و مقررات و مسئولیت‌پذیری در روابط اجتماعی تعبیر شده است (میرمحمدی، ۱۳۷۷). به لحاظ عملیاتی انضباط اجتماعی با استفاده از ۹ گویه محقق ساخته نظیر «پایبندی به قوانین، عدم دور زدن قوانین در جامعه، نقش قانون و نظم در بین مردم، هماهنگی با مردم و ...» همگی در قالب طیف لیکرت ۶ درجه‌ای سنجیده شده‌اند. جامعه‌پذیری؛ به لحاظ مفهومی جامعه‌پذیری به انتقال ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه در قالب الگوهای رفتاری هنجارمند به افراد اطلاق می‌شود (موحد و شوازی، ۱۳۸۵: ۷۰). به لحاظ عملیاتی جامعه‌پذیری با استفاده از ۱۲ گویه محقق ساخته نظیر «آشنایی با ارزش‌های جامعه و خانواده، آشنایی با هنجارهای مشترک اجتماعی آگاهی و آشنایی، مهم تلقی شدن ارزش‌های جامعه در خانواده‌ها و مدارس، انتقال مهارت‌های لازم در مدارس و دانشگاه‌ها و ...» همگی در قالب طیف لیکرت ۶ درجه‌ای سنجیده شده‌اند. رعایت حقوق دیگران؛ به لحاظ مفهومی رعایت حقوق دیگران به معنای احترام به دیگران، محترم شمردن حریم خصوی آن‌ها و برابر انگاشتن آن‌ها با خود است. به لحاظ عملیاتی رعایت حقوق دیگران از طریق ۹ گویه محقق ساخته «رعایت نوبت در هنگام گرفتن غذا در غذاخوری دانشگاه، ساكت بودن هنگام مطالعه دوستانم، رعایت نوبت در هنگام دریافت پول‌زا خودپرداز، رعایت حقوق دیگران توسط مردم و ...» همگی در قالب طیف لیکرت ۶ درجه‌ای سنجیده شده‌اند. وقت‌شناصی؛ به لحاظ مفهومی مراد از وقت‌شناصی داشتن برنامه‌ی زمانی و انجام امور سر موعد مقرر می‌باشد که برای توسعه‌ی اقتصادی، نوآوری، توان رقابتی و کارآیی یک کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۲۱). به لحاظ عملیاتی وقت‌شناصی با استفاده از ۱۰ گویه محقق ساخته نظیر «وقت‌شناصی اساتید و دانشجویان در کلاس، سر وقت در کلاس حاضر شدن، انجام کارها سر وقت، احترام قائل شدن به وقت دیگران توسط دانشجویان و اساتید، داشتن برنامه مشخص برای آینده خود و ...» همگی در قالب طیف لیکرت ۶ درجه‌ای سنجیده شده‌اند. صدقای و راستگویی؛ به لحاظ مفهومی به معنای حقیقت‌گویی در گفتار و صادق بودن در کردار و رفتار است و همچین به معنای عدم دو رویی، ریاکاری و رفتارهای ساختگی‌ای که موجب بی‌اعتمادی نسبت به خود و دیگران می‌شود، است. به لحاظ عملیاتی صداقت و راستگویی با استفاده از ۱۰ گویه محقق ساخته نظیر «رواج یافتن صداقت و راستگویی چقدر در بین مردم، رواج یافتن صداقت و راستگویی در میان دوستان و آشنایان و همکلاسی‌ها، میزان دروغ مصلحتی گفتن، حمایت از دوستان به وجود اینکه دروغ می‌گویند، میزان تنفر از دروغ و ...» همگی در قالب طیف لیکرت ۶ درجه‌ای سنجیده شده‌اند.

**جنس**: در تحقیق حاضر جنس به صورت دو وضعیت مرد یا زن بودن، در نظر گرفته شده است.  
**نوع دانشکده**: نوع دانشکده به صورت یک متغیر دو وجهی (دانشجوی دانشکده حقوق و علوم

اجتماعی و دانشکده کشاورزی) در تحلیل‌ها وارد شده است. مقطع تحصیلی: مقطع تحصیلی نیز به صورت یک متغیر دو وجهی (کارشناسی و تحصیلات تكمیلی) مورد سنجش قرار گرفته است. اعتبار و پایایی: برای ارزیابی اعتبار ابزار اندازه‌گیری، از اعتبار محتوایی (نوع صوری) و برای ارزیابی پایایی شاخص‌ها از آلفای کرونباخ استفاده شده است. مقدار آلفای کرونباخ برآورد شده برای شاخص‌های انضباط اجتماعی (۸ گویه) برابر با  $0.837$ ، جامعه‌پذیری (۱۲ گویه) برابر با  $0.758$ ، رعایت حقوق دیگران (۸ گویه) برابر با  $0.61$ ، وقت‌شناسی (۱۲ گویه) برابر با  $0.741$ ، صداقت و راستگویی (۱۰ گویه) برابر با  $0.628$  و بیگانگی اجتماعی (۱۵ گویه) برابر با  $0.612$  می‌باشد که با توجه به آماره‌های آلفای کرونباخ، پایایی شاخص‌های مذکور در سطح قابل قبولی هستند.

### یافته‌ها

نیمرخ جمعیتی پاسخگویان نشان می‌دهد که  $55/5$  درصد (۱۴۶ نفر) از پاسخگویان را دانشجویان زن و  $44/5$  درصد (۱۱۷ نفر) دیگر را دانشجویان مرد تشکیل می‌دهد. اطلاعات جدول شماره ۱ حاکی از آن است که  $77/8$  درصد (۷۳ نفر) از پاسخگویان دانشجوی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی و  $72/2$  درصد (۹۰ نفر) دیگر دانشجوی دانشکده کشاورزی هستند. همچنین  $75/7$  درصد از پاسخگویان (۱۹۹ نفر) دانشجوی مقطع کارشناسی و  $24/3$  درصد از پاسخگویان (۶۴ نفر) دیگر نیز دانشجوی تحصیلات تكمیلی می‌باشند.

**جدول شماره ۱: توزیع پاسخگویان بر حسب جنس، دانشکده و مقطع تحصیلی**

جنس	زنان	مردان	کل
تعداد	۱۴۶	۱۱۷	۲۶۳
درصد	۵۵/۵	۴۴/۵	۱۰۰
<b>دانشکده</b>			
دانشکده کشاورزی	حقوق و علوم اجتماعی	دانشکده	کل
تعداد	۷۳	۹۰	۲۶۳
درصد	۲۷/۸	۷۲/۲	۱۰۰
<b>مقطع تحصیلی</b>			
کارشناسی	تکمیلی	کل	کل
تعداد	۱۹۹	۶۴	۲۶۳
درصد	۷۵/۷	۲۴/۳	۱۰۰

در جدول شماره ۲ نمرات خام و نمرات تبدیل شده (که از طریق میانگین نمرات گویه‌های هر کدام از شاخص‌ها به دست آمده) شاخص‌ها ارائه شده است. لازم به توضیح است که دامنه نمرات تبدیل شده همه شاخص‌ها بین ۱ و ۶ می‌باشد. براساس نتایج جدول مذکور، دامنه

تغییرات شاخص بیگانگی اجتماعی پاسخگویان بین  $۱/۸۳$  و  $۴/۲۵$  قرار دارد و میانگین بیگانگی اجتماعی پاسخگویان  $۳/۱۲$  (معادل  $۵۳$  در یک مقیاس  $۰-۱۰۰$ ) با انحراف استاندارد  $۰/۵۹۴$  است که نشان می‌دهد نمره بیگانگی اجتماعی پاسخگویان با توجه به دامنه تغییرات طیف مربوطه، در حد وسط طیف قرار دارد.

**جدول شماره ۲: آماره‌های توصیفی مربوط به شاخص‌های فاصله‌ای تحقیق**

شاخص	میانگین	کمینه	آماره	خطای استاندارد	بیشینه	انحراف استاندارد
بیگانگی اجتماعی	$۱/۸۳$	$۳/۱۲$	$۰/۰۳۶$	$۴/۲۵$	$۰/۵۹۴$	
نمرات خام بیگانگی	$۲۷/۴۵$	$۴۶/۸$	$۰/۵۴$	$۶۳/۷۵$	$۸/۹۱$	
انضباط اجتماعی	$۱/۲۵$	$۲/۸۸$	$۰/۰۷$	$۵/۳۸$	$۱/۱۳$	
نمرات خام انضباط	$۱۰$	$۳۲/۰۴$	$۰/۵۶$	$۴۳/۰۴$	$۹/۰۴$	
جامعه‌پذیری	$۲/۲۷$	$۴/۱۸$	$۰/۰۴۳$	$۵/۵۸$	$۰/۷۰۸$	
نمرات خام جامعه‌پذیری	$۲۷/۲$	$۵۰/۲$	$۰/۵۱۶$	$۶۶/۹$	$۸/۵$	
رعایت حقوق	$۲/۵۷$	$۴/۳۷$	$۰/۰۴$	$۶$	$۰/۶۵۴$	
نمرات خام حقوق	$۲۰/۵۶$	$۳۴/۹$	$۰/۳۲$	$۴۸$	$۵/۳۲$	
صدقت	$۳/۴۰$	$۴/۰۹$	$۰/۰۲۵$	$۴/۹۰$	$۰/۴۲$	
نمرات خام صدقت	$۳۴$	$۴۰/۹$	$۰/۲۵$	$۴۹$	$۴/۲$	
وقتشناسی	$۱/۲۵$	$۴/۰۲$	$۰/۰۴۰$	$۵/۶۷$	$۰/۶۵۹$	
نمرات خام وقت	$۱۵$	$۴۸/۲۴$	$۰/۰۴۸$	$۶۸/۰۴$	$۷/۹$	

براساس اطلاعات توصیفی جدول شماره ۲ دامنه شاخص انضباط اجتماعی بین  $۱/۲۵$  و  $۵/۳۸$  قرار دارد و میانگین این شاخص  $۲/۴۸$  (معادل  $۳۷$  در یک مقیاس  $۰-۱۰۰$ ) و با انحراف استاندارد  $۱/۱۳$  است که نشان می‌دهد میانگین شاخص انضباط اجتماعی پایین‌تر از حد وسط می‌باشد. همچنین دامنه تغییرات شاخص جامعه‌پذیری بین  $۲/۲۷$  و  $۵/۵۸$  قرار دارد و میانگین این شاخص  $۴/۱۸$  (معادل  $۵۷$  در یک مقیاس  $۰-۱۰۰$ ) با انحراف استاندارد  $۰/۷۰۸$  می‌باشد. که بیانگر آن است نمره شاخص جامعه‌پذیری بالاتر از حد وسط طیف قرار دارد. دامنه تغییرات شاخص رعایت حقوق دیگران بین  $۲/۵۷$  و  $۶$  قرار دارد و میانگین این متغیر  $۴/۳۷$  (معادل  $۵۲$  در یک مقیاس  $۰-۱۰۰$ ) با انحراف استاندارد  $۰/۶۵۴$  است که نمایانگر این است نمره رعایت حقوق دیگران پاسخگویان، در حد وسط طیف قرار دارد. دامنه طیف شاخص صدقت و راستگویی نیز

بین ۳/۴۰ و ۴/۹۰ قرار دارد و میانگین این شاخص ۴/۰۹ (معادل ۴۶ در یک مقیاس ۱۰۰) و با انحراف استاندارد ۰/۴۲ است که نشان می‌دهد میانگین نمره شاخص صداقت و راستگویی اندکی پایین‌تر از حد وسط طیف می‌باشد. همچنین دامنه تغییرات شاخص وقت‌شناسی بین ۱/۲۵ و ۵/۶۷ قرار دارد و میانگین این شاخص ۴/۰۲ (معادل ۶۲ در یک مقیاس ۱۰۰) با انحراف استاندارد ۰/۸۵۹ می‌باشد. که بیانگر آن است نمره شاخص وقت‌شناسی بالاتر از حد وسط می‌باشد.

در جدول ۳ نتایج آزمون تفاوت میانگین بیگانگی اجتماعی بر حسب جنس، دانشکده و مقطع تحصیلی را ارائه شده است. مقایسه میانگین‌های مذکور با استفاده از t-test و براساس فرض برابری واریانس‌های دو گروه، نشان می‌دهد که میانگین بیگانگی اجتماعی دانشجویان مرد نسبت به دانشجویان زن، دانشجویان دانشکده کشاورزی نسبت به دانشجویان دانشکده حقوق و علوم اجتماعی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی نسبت به دانشجویان تحصیلات کارشناسی بیشتر می‌باشد. توجه در آماره سطح معناداری گروه‌های مورد بررسی نشان می‌دهد که تفاوت مشاهده شده بین گروه‌های ذکر شده، با توجه به اینکه سطح معناداری آن‌ها پایین‌تر از ۰/۰۵ است، به لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد.

**جدول شماره ۳: نتایج آزمون مقایسه میانگین بیگانگی اجتماعی بر حسب جنس، دانشکده و مقطع تحصیلی**

بیگانگی اجتماعی	جنس	مرد	زن	دانشکده	حقوق علوم اجتماعی	کشاورزی	دانشکده	حقوق علوم اجتماعی	کارشناسی	مقطع	تحصیل	تکمیلی
نمودار میانگین خام	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	Sig						
۱۱۷	۳/۲۸	۴۹/۲	۰/۵۳	-۰/۸۶۷	۲۶۱	۰/۰۳۵						
۱۴۶	۳/۰۲	۴۵/۳	۰/۶۳									
۷۳	۲/۸۶	۴۲/۹	۰/۶۱	-۴/۴۵	۲۶۱	۰/۰۰۰						
۱۹۰	۳/۲۲	۴۸/۳	۰/۵۵									
۱۹۹	۳/۱۱	۴۶/۶	۰/۵۲	-۰/۴۷۱	۲۶۱	۰/۰۱۳						
۶۴	۳/۳۱	۴۹/۶	۰/۷۶									

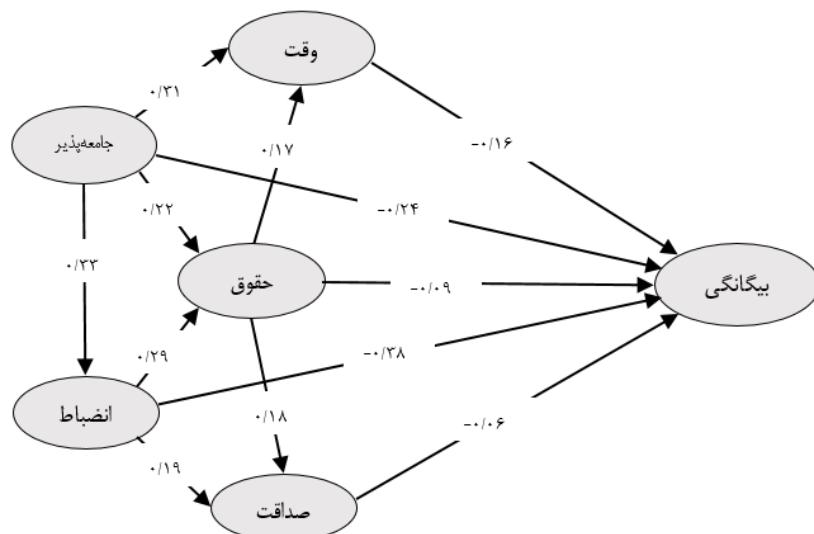
جدول ۴ نتایج مربوط به ضرایب همبستگی پیرسون شاخص‌های تحول در باورها و رفتارها با بیگانگی اجتماعی را نشان می‌دهد. طبق نتایج این جدول، رابطه بیگانگی اجتماعی با متغیرهای انضباط اجتماعی (با ضریب ۰/۵۲۷)، جامعه‌پذیری (با ضریب ۰/۴۰۸)، رعایت حقوق دیگران (با ضریب ۰/۲۶۸)، صداقت و راستگویی (با ضریب ۰/۱۵۹)، وقت‌شناسی (با ضریب ۰/۴۱۱) با توجه به اینکه سطح معناداری آن‌ها کمتر از ۰/۰۵ است، معنادار می‌باشد. همبستگی بین متغیرهای مذکور معکوس می‌باشد، به این معنی که با بالا رفتن مولفه‌های تحول در باورها

و رفتارها (انضباط اجتماعی، جامعه‌پذیری، رعایت حقوق دیگران، صداقت و راستگویی و وقت‌شناسی)، بیگانگی اجتماعی پایین می‌آید.

جدول شماره ۴: آزمون همبستگی شاخص‌های تحول در باورها و رفتارها با بیگانگی

وقت‌شناسی	جامعه‌پذیری	رعایت حقوق	صداقت	انضباط	ضریب همبستگی
-۰/۴۱۱	-۰/۲۴۸	-۰/۱۵۹	-۰/۴۰۸	-۰/۵۲۷	
.۰/۰۰۰	.۰/۰۰۰	.۰/۰۱	.۰/۰۰۰	.۰/۰۰۰	سطح معناداری

برای ارزیابی دقیق‌تر تأثیر شاخص‌های تحول در باورهای توسعه، در ادامه نتایج مدل مسیر برآورده شده ارائه شده است. شکل شماره ۱ مدل مسیر و ضرایب استاندارد را نشان می‌دهند.



شکل شماره ۱: مدل مسیر (برآوردهای استاندارد)

براساس نتایج جدول ۵، شاخص جامعه‌پذیری بر بیگانگی اجتماعی (با تأثیر مستقیم  $-0/24$  و غیر مستقیم  $0/22$  و با تأثیر کل  $-0/46$ ) تأثیر معکوس و معناداری دارد، بدین معنی که با یک واحد افزایش در شاخص جامعه‌پذیری، میزان بیگانگی اجتماعی با ضریب  $0/46$  کاهش می‌یابد. همچنین تأثیر شاخص انضباط اجتماعی بر بیگانگی اجتماعی نیز (با تأثیر مستقیم  $-0/38$  و غیر مستقیم  $0/05$  و با تأثیر کل  $-0/43$ ) معکوس و معنادار است. تأثیر شاخص رعایت حقوق دیگران بر بیگانگی اجتماعی نیز (با تأثیر مستقیم  $-0/09$  و غیر مستقیم  $0/04$  و با تأثیر کل  $-0/13$ ) معکوس و معنادار است. همچنین شاخص‌های وقت‌شناسی (با تأثیر کل  $-0/16$ ) و صداقت

و راستگویی (با تاثیر ۰/۰۶-) فقط تاثیر مستقیم بر بیگانگی اجتماعی دارند که این تاثیرات به شکل معکوس و از نظر آماری معنادار می‌باشند.

جدول شماره ۵: تأثیرات استاندارد شاخص‌های تحول در باورها بر بیگانگی اجتماعی

ضریب	نوع تأثیر			متغیرها
	تأثیرات مستقیم	تأثیرات غیرمستقیم	تأثیرات کل	
۰/۳۶	-۰/۴۶**	-۰/۲۲**	-۰/۲۴**	جامعه‌پذیری
	-۰/۴۳**	-۰/۰۵*	-۰/۳۸**	انضباط اجتماعی
	-۰/۰۶*	-	-۰/۰۶*	صدقت
	-۰/۱۶**	-	-۰/۱۶**	وقت‌شناسی
	-۰/۱۳*	-۰/۰۴*	-۰/۰۹*	رعایت حقوق

IFI=0.92 NFI=0.89 GFI =0.94 AGFI=0.91 CFI=0.90 Chi-square=23.75 RMSEA=0.071

\* معناداری ضریب در سطح کمتر از ۰/۰۵ \*\* معناداری ضریب در سطح کمتر از ۰/۰۱

نتایج جدول ۵ حاکی از آن است که شاخص‌های تحول در باورها و رفتارها توسعه در مجموع توانسته‌اند ۳۶ درصد از تعییرات شاخص بیگانگی اجتماعی را تبیین کنند. که در این میان، شاخص‌های جامعه‌پذیری و انضباط اجتماعی بیشترین تاثیر را بر بیگانگی اجتماعی دارند. بعد از شاخص‌های مذکور به ترتیب شاخص‌های وقت‌شناسی، رعایت حقوق دیگران و صدقت و راستگویی در ردّهای بعدی قرار دارند. همچنین با توجه به آماره‌های برازش مدل (اطلاعات سطر آخر جدول ۵)، مدل مسیر برازش شده نشانگر آن است که ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) برابر با ۰/۰۷۱ و در حد نرمال (پایین‌تر از ۰/۰۸) می‌باشد. همچنین شاخص نیکویی برازش (GFI) شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)، آماره شاخص برازش افزایشی (IFI)، شاخص برازش تطبیقی (CFI) و شاخص نرم شده برازنده‌گی (NFI) جملگی بالاتر از ۰/۹ و در حد مناسبی می‌باشند و شاخص کمیت خی دو (Chi-square) نیز برابر با ۲۳/۷۵ بوده که حاکی از آن است مدل بیگانگی اجتماعی تا حدودی مناسب است و مدل مورد نظر از برازش خوبی برخوردار می‌باشد.

## بحث و نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر تأثیر مولفه‌های باورها و رفتارهای توسعه‌ای (شامل جامعه‌پذیری، انضباط اجتماعی، وقت‌شناسی، رعایت حقوق دیگران و صدقت و راستگویی) بر بیگانگی اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه تبریز مورد سنجش قرار گرفت. براساس نتایج تحقیق، میانگین

شاخص‌های «انضباط اجتماعی» و «صدقافت و راستگویی» پایین‌تر از حد متوسط، میانگین شاخص‌های «جامعه‌پذیری» و «وقت‌شناسی» بالاتر از حد متوسط و میانگین شاخص‌های «رعایت حقوق دیگران»، «بیگانگی اجتماعی» در حد متوسط بودند. این یافته تحقیق با نتایج تحقیق صالح‌نیا و همکاران (۱۳۸۹)، دی‌پیترو (۲۰۱۴) و تابلینی (۲۰۱۰) همسو می‌باشد. یکی از نتایج مهم این تحقیق آن بود که مولفه‌های تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای با بیگانگی اجتماعی رابطه معنادار و معکوسی دارند و دانشجویانی که نسبت به این مولفه‌ها اعتقاد راسخی ندارند و تمایل و رغبت چندانی برای عمل به آن‌ها ندارند، میزان بیگانگی در میان آنان بیشتر مشهود است. توفیقیان و حسینی (۱۳۹۱)، حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۴)، تانیلی (۲۰۱۰) و گوتربرگ و همکاران (۲۰۰۶) نیز در تحقیقات خود، به این نتیجه رسیده بودند افرادی که اعتماد اجتماعی و میزان همنوایی اجتماعی در آنان کمتر است، بیگانگی اجتماعی نیز در بین آنان بیشتر نماینگر است.

همچنین نتایج تحقیق نشان داد که میزان بیگانگی اجتماعی در میان دانشجویان دانشکده کشاورزی، دانشجویان تحصیلات تکمیلی و دانشجویان مرد نسبت به دانشجویان دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشجویان کارشناسی و دانشجویان زن بیشتر است. نتایج تحقیق بنی‌فاطمه و رسولی (۱۳۸۹)، جاگلار (۲۰۱۳)، هاشر و هاگناوئر (۲۰۱۰) و گوتربرگ و همکاران (۲۰۰۶) نیز تایید کننده این یافته تحقیق بود. بر همین اساس می‌توان چنین استدلال کرد که دانشجویان مرد و دانشجویان تحصیلات تکمیلی در مقایسه با دانشجویان زن و دانشجویان کارشناسی بیشتر جویای شغل و کار می‌باشند و با توجه به اوضاع نه چندان خوب جامعه در حوزه اشتغال و عدم دستیابی به شغل مناسب برای گذران زندگی از جامعه محل زندگی خود بیگانگه می‌شوند. به بیانی دیگر، ابهام در وضعیت آینده‌ی شغلی، هدفمند نبودن زندگی دانشگاهی از عوامل تشديد کننده‌ای است که جریان بیگانگی، علی‌الخصوص گسترش ایده‌ی بی‌معنایی و پوچی را در بین دانشجویان دوچندان کرده و بسترهای بی‌تفاوتی و بیگانگی را پهن کرده است. شکل بدیهی بی‌معنایی و به تبع آن بیگانگی از جامعه زمانی رو به تزايد می‌گذارد که افراد این احساس را در خود ایجاد کنند که تمام زمان و عمری که صرف تحصیل کرده‌اند، هیچ فایده‌ای برای آن‌ها نداشته و ندارد. تیره بودن شرایط جامعه، افزایش بیکاری، افت زمینه‌های کاری اشتغال طی چند سال اخیر، افراد تحصیل کرده را دچار بیگانگی کرده است.

همچنین براساس چارچوب نظری و در تبیین مدل تحلیلی تحقیق باید اظهار داشت که وبر معتقد بود عقاید و ارزش‌های یک جامعه منجر به توسعه یا توسعه‌نیافتگی می‌شود، وی خاطر نشان می‌کند؛ که این اخلاق پرووتستانی بود که زمینه را برای مدیریت علمی و بسترسازی توسعه فراهم ساخت و اصول فکری پرووتستان‌ها نقش اصلی را در ایجاد نظام سرمایه‌داری ایفا کرد و موجب شد تا توسعه جوامع غربی رشد توسعه یابند. دورکیم، پارسونز، آگ برن و کامرون نیز

تاكيدشان بر اين بود که مولفه‌های نظير جامعه‌پذيری، وقت‌شناسي، نظام‌پذيری و رعایت حقوق ديگران به عنوان پيش‌نيازهای توسعه مطرح می‌باشند و اين مولفه‌های تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای رابطه تنگاتنگی با هم دارند و در جوامعی که اين مولفه‌ها كمتر رعایت می‌شود، مسیر رشد و پیشرفت آنان كند شده و در نهايیت مانع از توسعه و حتی توسعه بلند مدت آنان می‌گردد و جوامعی که در صدد رشد و توسعه هستند باید به مولفه‌های تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای بيشتر ارج نهند. همچنین باید گفت که اگر در جامعه‌ای افراد بر انضباط اجتماعی، جامعه‌پذيری، صداقت و راستگویی و نظایر اين‌ها بيشتر توجه كنند، از بيگانگی آنان كاسته می‌شود. اين امر از آن روی صورت می‌گيرد که اين مولفه‌ها از کارکردهای خاصی برخوردار بوده است و مانعی بر سر راه بحران بی‌معنایی و بی‌هنجری بشر تلقی می‌شود.

مطابق با يافته‌های تحقیق می‌توان پیشنهاد کرد؛ بهبود زمینه‌های مشارکت و همبستگی اجتماعی دانشجویان، کم کردن فاصله‌ی طبقاتی اشتغال‌زاibi و به کارگیری نیروهای جوان و تحصیل‌كرده در جهت تصمیم‌گیری‌های مهم و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، ترویج فرهنگ نظام‌پذيری و انضباط اجتماعی و رعایت حقوق ديگران خصوصاً در مراکز آموزشی، قائل شدن حقوق شهروندی يكسان برای تمام افراد جامعه و شايسته‌سالاري، بهبود امکانات فرهنگی دانشگاه، همچنین ایجاد فرصت‌هایي جهت ارائه نظر دانشجو در کلاس درس و مشارکت دادن دانشجویان در امور دانشگاه می‌تواند در کاهش ميزان بيگانگی اجتماعی تاثير‌گذار باشد و تبعات منفي آن را کم کند.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر اين بود که براساس جستجوی نويسندگان اين تحقیق، پرسشنامه استانداردی در رابطه با مولفه‌های تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای يافت نشد فلذا در اين مورد از پرسشنامه محقق ساخته که از مطالعات و مرور متون مربوطه صورت گرفت، بهره گرفت شد که اين امر موجب هدر رفت زمان در تدوين تحقیق شد. از ديگر محدودیت‌های اين تحقیق، تکمیل پرسشنامه به روش خود گزارش‌دهی بود که ممکن بود از صحت لازم برخوردار نباشد. فلذا برای غلبه بر اين مشکل حدود ۲۰ درصد پرسشنامه اضافه نسبت به نتيجه فرمول کوکران در ميان دانشجویان پخش شد و پرسشنامه‌هایي که صحت لازم را نداشتند، از فرایند تحلیل کنار گذاشته شدند.

## منابع

- افشانی، ع.ر.، جواهرچیان، ن.، (۱۳۹۵)، بررسی نقش بیگانگی اجتماعی در وندالیسم در بین دانشآموزان دوره اول و دوم متوسطه شهر بزد، *مجله پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظام اجتماعی*، تابستان، سال پنجم، شماره دوم (پیاپی ۱۳)، ص ۲۴-۱.
- امامی، ر.، (۱۳۹۶)، «عوامل موثر بر از خود بیگانگی اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه مازندران (بابلسر))»، *کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی*، شیراز.
- بنی‌فاطمه، ح.، رسولی، ز.، (۱۳۹۰)، بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن، *جامعه‌شناسی کاربردی*، بهار، سال بیست و دوم، شماره ۱، ص ۲۶-۱.
- بهشتی، م.ب.، (۱۳۸۹)، *توسعه اقتصادی ایران*، تبریز، نشر دانشگاه تبریز.
- بهشتی، م.ب.، محمودی، ک.، حسین‌پور، ف.، (۱۳۹۶)، تحلیل محتوای کتابهای مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی بر اساس مولفه‌های تغییر در باورها، رفتار و نگرش‌های نقطه شروع توسعه، *فصلنامه توسعه اجتماعی*، تابستان، دوره ۱۱، شماره ۴، ص ۲۳۶-۲۰۷.
- ترابی، ی.، (۱۳۸۴)، *آسیب‌شناسی مدیریت توسعه در ایران*، دوفصلنامه دانش سیاسی، پاییز و زمستان، شماره ۲، ص ۱۳۳-۱۰۳.
- تفضلی، ف.، (۱۳۸۵)، نظام سرمایه‌داری از دیدگاه کارل مارکس و ماکس وبر، «پیک نور»، سال چهارم، شماره ۲، ص ۹۲-۷۹.
- توفيقيان‌فر، ع.ح.، حسيني، ا.، (۱۳۹۱)، بررسی بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (نمونه: جوانان شهر یاسوج)، *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، زمستان، سال سوم، شماره ۸، ص ۵۸-۴۵.
- حریری اکبری، م.، صالح‌نژاد، ح.، (۱۳۹۴)، سرمایه فرهنگی سدی در برابر بیگانگی اجتماعی، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسخی جوانان*، بهار، سال پنجم، شماره ۱۷، ص ۵۶-۳۳.
- حسین‌زاده، ع.ح.، باقری، م.، رزم‌آراء، ا.، (۱۳۹۴)، بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر بیگانگی اجتماعی جوانان، *فصلنامه توسعه اجتماعی*، زمستان، شماره ۲، ص ۵۴-۳۷.
- ذوق‌قاری زعفرانی، ر.، علی‌نیا، ع.، (۱۳۸۹)، بررسی تاثیر نهاد خانواده و مدرسه بر جامعه‌پذیری دانش آموزان مقطع متوسطه منطقه رودهن، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، پاییز، سال سوم، شماره ۸، ص ۱۶۴-۱۴۷.
- زکی، م.ع.، خشوعی، م.، (۱۳۹۲)، سلامت اجتماعی و عوامل موثر بر آن در بین شهروندان شهر اصفهان، *مطالعات جامعه‌شناسخی شهری*، پاییز، سال سوم، شماره ۸، ص ۱۰۸-۷۹.
- شاه‌قاسمی، ز.، فرقانی، م.، خانیکی، ه.، (۱۳۹۵)، مطالعه رویکرد برنامه‌های توسعه در ایران به ارتباطات، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، پاییز، دوره نهم، شماره ۳، ص ۱۸۲-۱۴۷.

- صادقی ده چشممه، س، تیموری نژاد، م، آزادیان، ا، (۱۳۹۵)، بررسی رابطه میان رفتار شهروندی با نظام اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان ۲۰-۳۰ ساله شهر کرد)، *مجله پژوهش‌نامه نظم و امنیت*، تابستان، سال نهم، شماره ۲، ص ۷۲-۴۵.
- صالح‌نیا، ن، دهنوی، ج، حق‌نژاد، ا، (۱۳۸۹)، نقش فرهنگ در توسعه اقتصادی، *ماهnamه مهندسی فرهنگی*، مرداد و شهریور، سال چهارم، شماره ۴۳ و ۴۴، ص ۷۹-۶۶.
- عطار، س. (۱۳۹۵)، بررسی جایگاه مفهوم سرمایه اجتماعی در پارادایم‌های سه‌گانه توسعه (نویازی، واپستگی، نظام جهانی)، *دوفصلنامه پژوهش سیاست نظری*، بهار و تابستان، شماره ۱۹، ص ۲۲۱-۱۹۹.
- علی‌اکبر، د. (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- فولادیان، ا. (۱۳۹۴)، بررسی میزان بیگانگی اجتماعی و میزان بیتفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسخانه جوانان*، بهار، سال پنجم، شماره ۱۷، ص ۱۴۴-۱۲۵.
- کریمیان‌پور، غ، (۱۳۹۵)، مدیریت زمان و وقت‌شناختی مهارتی اساسی برای کودکان، *محله رشد آموزش پیش‌دبستانی*، پاییز، دوره هشتم، شماره ۱، ص ۵۱-۴۹.
- محسنی تبریزی، ع، (۱۳۷۰)، مفهوم‌سازی و گروه‌بندی تئوری‌ها در حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، *مطالعات جامعه‌شناسخانه*، تابستان، شماره ۵، ص ۷۴-۲۵.
- موحد، م، عباسی شوازی، م، (۱۳۸۵)، بررسی رابطه‌ی جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین‌شخصی دو جنس پیش از ازدواج، *محله مطالعات زنان*، بهار، سال ۴، شماره ۱، ص ۹۹-۶۷.
- میرمحمدی، س.م. (۱۳۷۷)، *موانع سازمانی و ساختاری حاکمیت وجودان کاری و انضباط اجتماعی*؛ تهران، سازمان چاپ و انتشارات آزاد اسلامی.
- یوسفی، ع، رضوی‌زاده، ن، (۱۳۹۵)، ساختار هنجار صداقت با دولت مشهد مورد مطالعه: راستگویی در ارائه اطلاعات درآمدی، *محله جامعه‌شناسی کاربردی*، بهار، سال ۲۷، شماره ۱، ص ۱۴۲-۱۲۹.
- Bao, Y., Zhou, K. Z., & Zhou, N. (2006). Social alienation in a transitional economy: Antecedents and impact on attitude toward social reform. *Journal of Business Research*, 59(9), 990-998.
- Bender, A. (2020). The role of culture and evolution for human cognition. *Topics in cognitive science*, 12(4), 1403-1420.
- Burkitt, I. (2019). Alienation and emotion: social relations and estrangement in contemporary capitalism. *Emotions and Society*, 1(1), 51-66.
- Caglar, C. (2013). The Relationship between the Levels of Alienation of the Education Faculty Students and Their Attitudes towards the Teaching Profession. *Educational Sciences: Theory and Practice*, 13(3), 1507-1513.
- DiPietro, W.R. (2014). "Time Punctuality and Social Cohesiveness", *International Journal of Business, Humanities and Technology*. Vol. 4 No. 1: 33-37.

- Fox, S. (2020). Political alienation and referendums: How political alienation was related to support for Brexit. *British Politics*, 1-20.
- Hardin, R. (1993). The street-level epistemology of trust. *Politics & society*, 21(4), 505-529.
- Hascher, T., & Hagenauer, G. (2010). Alienation from school. *International journal of educational research*, 49(6), 220-232.
- Husien, S., Fakhrina, A., & Rani, A. N. B. H. A. (2020). Culture-Led Development: Implementation of Heritage Based Management in Indonesia and Brunei Darussalam. *Al-Ulum*, 20(1), 1-23.
- Inyikalum Daniel, B., & Uranta, S. D. D.(2017). *karl marx's concept of alienation*; a study of its impact on nigeria's socio-economic development.
- Nonis, S. A., & Hudson, G. I. (2006). Academic performance of college students: Influence of time spent studying and working. *Journal of Education for Business*, 81(3), 151-159.
- Schwalbe, M. (1986). *Psychosocial Consequences of Natural and Alienated Labor*. SUNY Press.
- Tabellini, G. (2010). Culture and institutions: economic development in the regions of Europe. *Journal of the European Economic association*, 8(4), 677-716.
- Williamson, C. R., & Mathers, R. L. (2011). Economic freedom, culture, and growth. *Public Choice*, 148(3-4), 313-335.